

آثار و ابنیه اصفهان

در دوران شاه سلطان حسین

صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق)

ابوالفضل حسینی

کارشناس ارشد تاریخ

هرچند در اواخر دوران صفوی مانند دوران شاه عباس اول بر آبادانی و شکوه اصفهان افزوده نشد، نمی توان آثار و ابنیه‌ای را نادیده گرفت که در این دوران و به خصوص دوران سلطان حسین در اصفهان به وجود آمد. در این تحقیق قصد داریم که آثار و ابنیه‌ای را که در دوران شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق بر بناهای اصفهان افزوده شد بررسی کنیم. هر چند بعضی از این آثار به شکل اول خود باقی نیست.

به طور کل، منابع تاریخی، شاه سلطان حسین را علاقه‌مند به هنر معماری و احداث ابنیه معرفی کرده‌اند. لاکهارت معتقد است: «وی بدون هیچ فتور به احداث ابنیه پرداخت و همچنین در ساخت مساجد و مدارس دینی و تعمیر پاره‌ای از ابنیه بی‌هیچ دریغ مبالغه‌گزار صرف کرد.»^۱

در این جا برای معرفی و شناخت بهتر آثار و ابنیه آن دوران، آنها را به چهار دسته تقسیم می‌کنیم و هرکدام را در جای خود توضیح می‌دهیم:

- الف- مراکز تفریحی
- ب- مدارس علمیه
- ج- مساجد و تعمیر امامزاده‌ها
- د- پلهای زاینده‌رود

الف- مراکز تفریحی، از آنجا که شاه سلطان حسین بسیار خوشگذران بود^۲ و از طرف دیگر از تدبیر امور سلطنت و پادشاهی بی‌خبر و بی‌بهره بود^۳ نسبت به ساخت مراکز تفریحی علاقه خاصی داشت. مهم‌ترین مرکز تفریحی این زمان بنای فرح آباد بود که در دامنه کوه صفا ساخته شد و منظور از ایجاد آن به قول صاحب رستم التوارخ این بود که: «چون پیوسته از راه‌های دور و نزدیک دخترانی به صورت ... به حضور مبارک شاه سلطان حسین می‌شد ضرورت داشت که برای آنان به فکر مکان وسیع‌تر

و بهتر باشد و برای گردش امور نیز از خدمه بیشتری استفاده کند، لاجرم از تنگی مکان یک فرسنگ از شهر دور قریب به دامنه کوه صفه شهرنویسی مسمی به فرح آباد، با عمارات عالیه و ابنیه رفیعیه از بیوتات و حجره‌ها و غرفه‌ها و... به فرمان وی بنا کردند.^۵

البته امروز از آثار و اجزای آن بنا چیز زیادی باقی نمانده است ولی بنا به نوشته رستم التواریخ: «هنرمندان و صنعتگران برای تزئین آن نهایت ذوق و سلیقه خود را به کار گرفته بودند و در کمال لطف و صفا و در نهایت متانت و غایت استحکام از سنگ و آجر و گچ آن را ساخته و پرداخته و در آن طلای خالص پرداخته و در آن طلای خالص، لاجورد بدخشانی و... به کار برده بودند.»^۶

صاحب کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان هم درباره فرح آباد می‌نویسد: «در طرف جنوب زاینده رود و طرف مغرب آن آبادی طرح انداخته به وضع خوش و اسلوبی دلکش بساخت و آن را فرح آباد نام نهاد و پادشاه (شاه سلطان حسین صفوی) خود و اکثر امرا و اعیان به جهت خویش محلی ترتیب داده و به اندک زمانی شهر مستقل و بلدی معتبر گردید.»^۷

بنای فرح آباد در آن زمان از چنان شهرت و اعتباری برخوردار بود که بعدها که محمود افغان به اصفهان حمله کرد، آنجا را محل اقامت خود قرار داد و شاه سلطان حسین راهم در آنجا به حضور پذیرفت.^۸

غیر از فرح آباد که محل تفریح و تفرج شاه سلطان حسین بود: «وی باغ وحش بزرگی نیز ساخت که در ۱۷ میلی جنوب غربی اصفهان واقع بود. طول اضلاع این باغ که شکل مربع داشت لااقل ۱/۵ میل بود. سه ضلع این باغ که اکنون سخت در حال انهدام قرار دارند هنوز باقی است. دیوار شمالی باغ را ساکنان ده مجاور به قصد کشت در زمین آن، محو ساخته‌اند. این قسمت که سطح آن پائین است از

آب رودخانه مشروب می‌شود.»^۹

البته درباره این باغ وحش توصیفات گوناگونی در منابع تاریخی آمده است که در اینجا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. متأسفانه امروز چندان اثری از این باغ وحش باقی نمانده است.

ب- مدارس علمیه، حدود هفت مدرسه علمیه از دوران شاه سلطان حسین در اصفهان باقی مانده است:

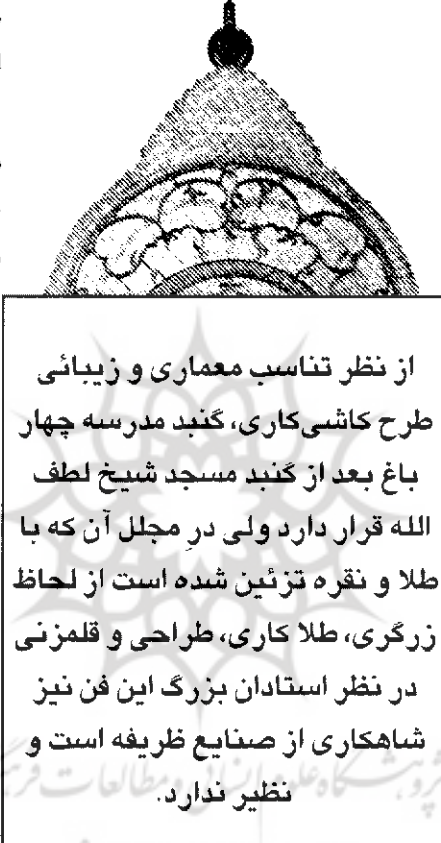
۱- **مدرسه چهارباغ یا مدرسه مادرشاه،** این مدرسه که در ضلع شرقی چهارباغ واقع است: «بنائی است با هیبت، زیبا و با تشخیص و آخرین بنائی است که در دوران صفویه شایسته لقب بزرگ می‌باشد. ساخت آن از سال ۱۱۱۸ ق تا ۱۱۲۶ ق طول کشیده است.»^{۱۰}

این مدرسه تحت نظارت یا به فرمان مادر دیندار شاه بنا گردید و به همین دلیل به مدرسه مادرشاه نیز معروف است.^{۱۱} در وسط این مدرسه بسیار عظیم و زیبا نهری جاری بوده که به لحاظ اهمیت و عظمت همانند رودی جلوه گر می‌شده است. زمین آن سنگ فرش و در دو طرف نهر از سنگ پله استفاده کرده بودند که مردم در آن پله‌ها

می‌نشسته و تفریح می‌کرده‌اند. چهار باغچه در حیاط این بنا وجود داشته و درختهای عظیم چنار و اقسام گلهای با صفا در آنها کاشته بودند و پرندگان خوش نوا با نعومات دل‌انگیز غوغا می‌کردند و از قرار تقریباً آنجا چون بهشت روح افزا بوده است.^{۱۲}

همانطور که می‌دانیم، «شاه سلطان حسین با علما و فقهای دین حشر و نشر بسیار داشته و خود را جزو آنان به شمار می‌آورده است و به شرعیات و اوامر فقهی و دینی اهمیت مفراط می‌داده است.»^{۱۳} به همین دلیل، در آغاز به تحصیل علوم دینی مشغول بود و در مدرسه چهارباغ حجره‌ای به نام خود داشته است که هنوز هم باقی است.^{۱۴}

سردر مدرسه دارای یک طاق مقرنس و کاشی‌کاری



از نظر تناسب معماری و زیبایی طرح کاشی‌کاری، گنبد مدرسه چهار باغ بعد از گنبد مسجد شیخ لطف الله قرار دارد ولی در مجل آن که با طلا و نقره تزئین شده است از لحاظ زرگری، طلا کاری، طراحی و قلمزنی در نظر استادان بزرگ این فن نیز شاهکاری از صنایع ظریفه است و نظیر ندارد.

بسیار زیبا است و این سر در به وسیله یک دالان سرپوشیده به صحن بزرگ مدرسه متصل می‌گردد. کاشی کاری داخل عمارت بسیار نفیس و زیبا و در بعضی قسمتها بر روی زمینه سنگ مرمر قدری برجسته نمودار می‌باشد. رنگ آمیزی و نقاشیهای مدرسه فوق‌العاده دلکش و منظره آب، گلها و سایه مخصوصاً بر زیبایی بنا می‌افزاید.^{۱۵}

از نظر تناسب معماری و زیبایی طرح کاشی کاری، گنبد مدرسه چهارباغ بعد از گنبد مسجد شیخ لطف الله قرار دارد ولی در مجلل آن که باطلا و نقره تزئین شده است از لحاظ زرگری، طلا کاری، طراحی و قلمزنی در نظر استادان بزرگ این فن نیز شاهکاری از صنایع ظریفه است و نظیر ندارد. مدرسه چهارباغ از لحاظ کاشی کاری هم انواع مختلف این فن را مانند کاشی کاریهای هفت رنگ، معرق گره سازی، پیلی و معقلی را در خود جا داده است و در حقیقت موزه کاشی کاری اصفهان می‌باشد. محراب باشکوه، منبر یکپارچه مرمری، حجره مخصوص شاه سلطان حسین، کاشی کاری بی نظیر مدخل مدرسه، خطوط نستعلیق کتیبه‌ها و پنجره‌های چوبی آلت بری شده از قسمت‌های بسیار جالب و تماشائی این بنای نفیس تاریخی است.^{۱۶}

مدرسه چهارباغ یا مدرسه مادرشاه، امروز با نام مدرسه امام صادق (ع) در نبش خیابان آمادگاه قرار دارد و طلاب علوم دینی در آن مشغول به تحصیل هستند. از این مدرسه به عنوان مسجد نیز در آن ایام استفاده می‌شده است. بعضی از محققان عقیده دارند که کاروانسرای پشت مدرسه چهارباغ با بازار معروف به بازارچه بلند نیز از بناهای دوران شاه سلطان حسین می‌باشد.^{۱۷} این کاروانسرا امروزه به مهمانسرای بزرگی به نام هتل عباسی تبدیل شده است. مدرسه چهارباغ به نام مدرسه سطنائی نیز نامیده می‌شده که شاید از نام شاه سلطان حسین گرفته شده بود.

۲- **مدرسه کاسه‌گران**، این مدرسه طلبه‌نشین از بناهای اواخر صفویه می‌باشد که در بازار ریسمان اصفهان واقع شده است: «این بنا تزئینات فراوان گچبری و کاشی کاری دارد و به وسیله یکی از رجال آن دوره به نام آقامیر محمد مهدی ملقب به حکیم الملک در سال ۱۱۰۵ ق بنا گردیده است.»^{۱۸}

۳- **مدرسه جلالیه**، این بنا به سال ۱۱۱۴ ق ساخته و در

شرق اصفهان، ضلع شمال خیابان حافظ بنا شده است: «این مدرسه بنائی است ساده و بی‌پیرایه که حیاطی در وسط دارد و در ضلع شمالی آن مقابل در ورودی، ایوان کوچکی مزین به کاشی کاری و گچبری قرار دارد. این بنا هنوز به عنوان مدرسه استفاده می‌شود.»^{۱۹}

۴- **مدرسه نیماورد**، از مدارس مشهور و طلبه‌نشین اصفهان می‌باشد که در محله نیماورد اصفهان در مجاورت بازار بزرگ واقع شده است: «از این جهت که محل تعلیم و تعلم عده کثیری از علما و دانشمندان بعد از دوره صفویه بوده شهرت زیاد دارد.»^{۲۰}

این مدرسه در دو طبقه ساخته شده که حجره‌های طبقه اول و دوم مخصوص طلاب بوده است و حیاط نسبتاً بزرگی نیز در وسط دارد. ایوانی مخصوص نیز در قسمت جنوبی برای جلسات درس طلاب دارد.

۵- **مدرسه شمس آباد**، این مدرسه در مرکز شهر اصفهان و در محله شمس آباد واقع شده است و تزئینات آن همانند مدرسه جلالیه بی‌پیرایه و ساده می‌باشد. این مدرسه به سال ۱۱۲۵ ق بنا شده است.^{۲۱}

۶- **مدرسه مریم بیگم**، این مدرسه را مریم بیگم دختر شاه صفی و عمه شاه سلطان حسین به سال ۱۱۱۵ ق در مجاورت محلی که به نام چهارسو نقاشی شهرت دارد بنا کرده است.^{۲۲}

۷- **مدرسه علی قلی آغا**، این مدرسه را علی قلی آغا، از خواجگان حرم شاه سلطان حسین به سال ۱۱۲۲ ق در محله بیدآباد اصفهان بنا کرده است. سردر مدرسه و داخل صحن کوچک آن تزئینات کاشی کاری دارد.^{۲۳} از این مدرسه هنوز هم به عنوان مدرسه علمیه طلاب استفاده می‌شود.

نکته‌ای که در این جا ذکر آن خالی از فایده نیست این است که به دلیل روحیات خاص شاه سلطان حسین و نفوذ زیاد علمای دین در امور سیاسی، مدارس علمیه در این زمان آن چنان جایگاه یافت که هرگاه کسی به مدارس علمیه پناه می‌آورد و در آن بست می‌نشست کسی حق نداشت معترض او شود: «هرگاه فردی خود را به دروازه مدرسه می‌رساند احدی حق نداشت به او دست اندازی کند و آن فرد مادامی که در مدرسه بود در امنیت کامل جانی قرا داشت.»^{۲۴}

ج- مساجد و تعمیر امامزاده‌ها

۱- مسجد چهارباغ یا مسجد مادر شاه (توضیحات آن در قسمت مدرسه چهارباغ ذکر شد)

۲- مسجد میسو (Misu)، این مسجد کوچک و بسیار ساده به سال ۱۱۱۶ ق بنا شده است. این مسجد در محله جوباره اصفهان بین دروازه طوقچی و مناره چهل دختران واقع شده است.^{۲۵}

۳- مسجد علی قلی آغا، این مسجد را که در محله بید آباد اصفهان واقع شده است علی قلی آغا از خواجهگان حرم شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۲ ق بنا کرده است. سردر مسجد و داخل صحن کوچک آن تزئینات کاشی کاری دارد. در مجاورت این مسجد چهارسوی علیقلی آغا نیز از آثار مهم آن دوره است.^{۲۶}

در این دوران همچنین چند امامزاده نیز تعمیر شده است که از جمله می‌توان به امامزاده اسماعیل و درب امام و مسجد شعیا و همچنان امامزاده احمد اشاره کرد. در این جا لازم است توضیحات کوتاهی درباره بنای درب امام داده شود.

«درب امام در محله چمبلان یا جمیلان یا سنبلستان از محلات بسیار قدیمی اصفهان واقع شده است که قدمت آن به قرن چهارم هجری هم می‌رسد، درب امام از دو امامزاده مدفون در آن محل تشکیل شده است و منظره خارج آن نیز دارای دو گنبد کاشی کاری است. نام امامزادگان مدفون در این بقعه، ابراهیم طباطبائی و سید علی ملقب به زین العابدین ذکر شده است. بنای آن به سال ۸۵۷ ق است و همان طور که ذکر شد در دوران شاه سلطان حسین تعمیرات در آن انجام گرفت.

«امامزاده اسماعیل هم به مجموعه‌ای از بناهای سلجوقی و صفوی گفته می‌شود که در حاشیه خیابان هاتف اصفهان واقع شده است. قدیمی‌ترین قسمت این بنا مرقد شعیا و باقی مانده یک مناره سلجوقی است. بقعه، ضریح، رواق و صحن آن از دوره صفویه است و یادگارهایی از پادشاهان صفویه همانند شاه عباس و شاه صفی و شاه سلطان حسین را در بر دارد.»^{۲۷}

د- پل‌های زاینده‌رود، در دوران شاه سلطان حسین چندین پل بر زاینده‌رود احداث شد از جمله پل چوم (chume) و دشتی (dashti) که اولی ۴ میل و دومی ۹ میل با پل شهرستان فاصله دارد. پل چوم هنوز باقی است ولی از پل دشتی فقط پایه‌های آن باقی مانده است. همچنین پل ورجان که حدود ۱۱ میل از مرکز اصفهان فاصله داشته است از بناهای دوران شاه سلطان حسین است.^{۲۸}



غیر از همه اینها، عمارات و ساختمانهایی را در کناره‌های زاینده‌رود به خصوص قسمتهای جنوبی آن از طرف مشرق تا پل شهرستان احداث کرده و اکثر آنجا را خانه و باغ ساخته و مردمان در آنها جای گرفته‌اند.^{۳۹}

نکته‌ای که شایسته ذکر است آن است که هر چند از آثار و بناهای اواخر دوران صفوی بعضی از سیاحان اروپایی تعریف و تمجید کرده‌اند^{۴۰} از لحاظ کیفیت و نوع کار به بناهای دوران شاه عباس نمی‌رسد. مثلاً در مورد مدرسه چهارباغ لاکهارت می‌نویسد: «اگر تأمل و تحقیق بیشتری بر روی آثار کاشی‌کاری این دوره (شاه سلطان حسین) انجام دهیم درمی‌یابیم هر چند این نوع کاشی‌کاری‌های علی‌الظاهر همانند کاشی‌کاریهای قرون گذشته است ولی از لحاظ کیفیت کار هیچ‌گاه به پای کاشی‌کاریهای دوران شاه عباس نمی‌رسد. مثلاً در مورد مدرسه چهارباغ هر چند کاشی‌کاریها و فن تزئین آن در ظاهر همانند دوران گذشته است ولی با کمی دقت و بررسی به خوبی درمی‌یابیم که با همه دلپسندی‌ها و زیبایی‌هایش پست‌تر از کارهای استادان قرون گذشته است.»^{۴۱}

به هر حال این آثار و ابنیه به هر کیفیت که ساخته شده باشند میراث گذشتگان است و باید در حفظ و حراست آن تلاش کنیم و آن را سالم تحویل آیندگان بدهیم.

منابع

- ۱- به اهتمام منوچهر ستوده، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶۹.
- ۸- گلانتز، پطرس دی سرکیس، سقوط اصفهان، ترجمه محمد مهریار، انتشارات گل‌ها چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۷۱، ص ۷۱.
- ۹- انقراض صفویه، ص ۵۴۵.
- ۱۰- همان، ص ۵۴۳.
- ۱۱- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، انتشارات مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵.
- ۱۲- اعتماد السطنه، محمد حسن خان، مرآة البلدان، ج ۱، به اهتمام عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۱۹.
- ۱۳- کروسسکی، تادیوز بودا، سفرنامه، ترجمه عبدالرزاقی دنبلی، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۵.
- ۱۴- هنرفر، لطف‌الله، آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول، اصفهان، ۱۳۷۲، ص ۵۰.
- ۱۵- سایکس، سریرسی، تاریخ ایران، ج ۲، ترجمه محمدتقی فخر داعی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۸۹.
- ۱۶- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۸۹.
- ۱۷- فلور، دیم، برافتادن صفویان برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۳.
- ۱۸- نصف جهان فی تعریف الأصفهان، ص ۱۸۰.
- ۱۹- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۱.
- ۲۰- انقراض صفویه، ص ۵۴۳.
- ۲۱- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۲.
- ۲۲- انقراض صفویه، ص ۵۴۳.
- ۲۳- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۰.
- ۲۴- نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۶۹، تاریخ ایران، سایکس، ج ۲، ص ۲۸۹.
- ۲۵- قزوینی، ابوالحسن، فوائد الصفویه، به اهتمام مریم میراحمدی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، ص ۷۹.
- ۲۶- انقراض صفویه، ص ۵۴۳.
- ۲۷- آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، ص ۵۳.
- ۲۸- جهت اطلاعات بیشتر نکه آشنائی با شهر تاریخی اصفهان، صص ۱۴۲ و ۱۴۰.
- ۲۹- انقراض صفویه، ص ۵۴۲.
- ۳۰- نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ص ۱۸۰.
- ۳۱- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۴.

- ۱- شوستر والس، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه غلامرضا ورهرام، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۲۵.
- ۲- لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلاي افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی‌عماد، انتشارات مروارید، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- هنوی، جونس، هجوم افغان و زوال دولت صفوی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، انتشارات یزدانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۷، کاری، جمیل، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوان و عبدالعلی کارنگ، انتشارات بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی چاپ اول، تبریز، ۱۳۴۸، ص ۱۱۲.
- ۴- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، مجمع التواریخ، به اهتمام عباس اقبال، انتشارات سنائی و طهوری، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۸.
- ۵- آصف، محمد هاشم، رستم التواریخ، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات طهوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۲، ص ۷۰.
- ۶- همان، ص ۷۱.
- ۷- اصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا، نصف جهان فی تعریف الاصفهان.